

# رسائل ویر

مایکل راش  
ترجمه‌ی بیتا روشنی

در هفتاد و یکمین

تصویر ۵. ریچارد پرنس، بهترین  
من، ۱۹۹۶  
کلمات و تصاویر از ابتدای  
قرن بیستم بر روی بوم‌ها ظاهر  
شده‌اند. اما آن‌چه به سادگی در  
این نقاشی پرنس ظاهر نمی‌شود،  
سنبجابهایی‌اند که در رایانه‌اش  
شکل گرفته و سپس با سیلک  
اسکرین به روی بوم آمده‌اند.

هنر قرن بیستم، در به زیر سوال بردن سنت دیرینه «نقاشی» به  
عنوان ابزاری منحصر با مزیت بازنمایی گرایشی مصرانه داشته  
است. در اوایل قرن بیستم عزم براک<sup>۱</sup> و پیکاسو<sup>۲</sup> در استفاده از  
اشیاء روزمره در نقاشی‌های‌شان مانند کاغذ روزنامه، حاشیه‌ی  
رومیزی یا طناب نشانگر تقلای آن‌ها در وسعت بخشیدن به  
محتوای بوم‌ها فراتر از نقاشی بود. این کشمکش با بوم راه‌گشایی  
شد برای هنرمندان قرن بیستم، از مالویچ<sup>۳</sup> و تاتلین<sup>۴</sup> روسی گرفته  
تا پولاک<sup>۵</sup> در میانه‌ی قرن و نقاشی هم‌چون ریچارد پرنس<sup>۶</sup> که  
نقاشی‌های انتزاعی‌اش قبل از اجرا روی بوم در کامپیوتر شکل  
می‌گیرد. سبک‌های انتزاعی، سورئالیسم، مفهوم‌گرایی و دیگر  
سبک‌های قرن بیستم، همگی عمیقاً در به زیر سوال بردن نقاشی  
سنتی نقش داشتند.

این گرایش به رغم قابلیت‌هایش در برخی زمینه‌ها، بسیار کلی  
است و به قدر کافی گستردگی فعالیت‌های هنری این قرن را برای  
ما بیان نمی‌کند. ویژگی دیگر این دوره، تمرکز بر طبیعت «تجربی»  
هنر است: در نقاشی و مجسمه‌سازی هنرمندان از پوسته‌های رایج  
فراتر رفته و انواع مختلفی از مواد جدید را در کارهای‌شان درهم  
آمیختند. اشیاء حاضر و آماده و خرده‌ریزهایی که نشانگر زندگی  
روزمره بودند به نقاشی‌ها ضمیمه شدند و تمرکز از بازنمایی  
«عین‌گرایانه» به بیان شخصی تغییر یافت. همچنین استفاده از  
واسطه‌های فناوری جدید به منظور انتقال معانی و نگرش‌های  
نو در باره‌ی زمان و فضا از ویژگی‌های هنر این دوره است. ژنه  
یانگ بلاد<sup>۷</sup> آمریکایی، منتقد فیلم و ویدیو معتقد است، «هنر تماماً  
یا تجربی است و یا هنر نیست».

سرعتی که این قرن در ایجاد یک سیاره‌ی به هم مرتبط  
الکترونیکی داشته است، در گسترش سریع فعالیت‌های هنری  
فراسوی سنت نقاشی و مجسمه‌سازی و با راه‌یابی تقریباً عنان

1. Braque

2. Picasso

3. Malevich

4. Tatlin

5. Pollock

6. Richard Prince (b.1949)

7. Gene Youngblood



و تکنسین‌ها بود.

شگفت آن‌که گرچه فناوری نوین با وفور ماشین‌ها، سیم‌ها و انبوهی از جزئیات فیزیکی و ریاضی سر و کار دارد اما هنری که از پیوند هنر و فناوری تولد یافته از همه بی‌دوام‌تر است: هنر زمان. می‌گویند عکس لحظه‌ای از زمان را می‌ریاید و حفظ می‌کند، تصویر خلق شده در کامپیوتر در هیچ زمان و هیچ مکانی ساکن نیست. تصاویری که در کامپیوتر اسکن سپس ویرایش، مونتاژ، پاک یا تغییراتی در آنها داده می‌شود، به نظر می‌رسد موانع طبیعی گذشته، حال و آینده را فرو می‌ریزند.

این کتاب از تمام مواد و رسانه‌های نوینی که در این قرن در حوزه‌ی هنر معرفی شدند، تنها به کاوش گرایش‌های غالب در رسانه و اجرا، ویدئوآرت، چیدمان و هنر دیجیتال از جمله دستکاری در عکاسی، واقعیت مجازی و دیگر اشکال تعاملی می‌پردازد. هنرمندانی که این‌گونه رسانه‌های نوین را بی‌هیچ نگرانی از تغییرات فناوری به کار گرفته، خود را جزئی از تغییرات در نظر گرفتند و خواهان مشارکت در آن بودند. امکانات فنی نه تنها برای آن‌ها بیگانه نبود بلکه ترغیب‌کننده نیز بود. فیلم و تلویزیون از تجربه‌ی روزمره‌ی هنرمندان خبر می‌دهد زیرا آنان برخلاف کسانی که در پی استفاده تجاری از فناوری‌اند، بدون در نظر گرفتن بهای اثرشان در صدد بیان عقاید شخصی خود هستند. این هنرمندان هم‌چون دیگر هنرمندانی که با رنگ، چوب یا فلز کار می‌کنند، اغلب به کاوش و دگرگونی در توانایی‌های رسانه جدید از هر دو جنبه انتقادی و فناوری می‌پردازند. پیشرفت‌های



تصویر ۶. ایتن - ژول ماره  
ژیمناست در حال پریدن از روی  
صندلی ۱۸۸۳

گسیخته اشیاء روزمره به عرصه‌ی هنر منعکس می‌شود. هر چیزی که بتواند یک نام یا یک موضوع را تشریح کند، احتمالاً اثری هنری به شمار می‌رود که توسط کسی به‌وجود آمده است. این امر حاکی از دغدغه‌ی هنرمند معاصر در یافتن بهترین ابزار ممکن برای بیان نظر شخصی در هنر است. در پی مسیر روانشناسانه و پیچیده‌ای که توسط نیچه و فروید بیان شده بود و در طی آن موضوع در مرکز ماجرا قرار داشت، هنر نیز با ایده‌ی شخصی در هم آمیخت. این دیدگاه نیز که مارسل دوشان<sup>۸</sup>، هم‌چون دیگر هنرمندان، از حامیان آن بود، به سبکی نوین هنرمند را در هسته‌ی فعالیت‌های هنرمندانه جای می‌دهد. هنرمند فارغ از جاذبه‌ی بوم، دیگر آزاد بود تا هر مفهومی را به هر وسیله‌ی ممکن ابراز کند؛ این مفهوم می‌تواند در ارتباط با تاریخ هنر، سیاست‌های روز و یا سیاست‌های شخصی باشد. این روش انتقال احساس و ابزار نیل به آن، به چنان کثرتی از مواد انجامید که منتقدی به نام آرتور دانتو<sup>۹</sup>، همان‌گونه که می‌دانیم، آن را «پایان هنر» قلمداد کرده و می‌نویسد: «هنر به آن‌گونه‌ای که بود، هنگامی به پایان رسید که دریافت نباید تنها به شیوه‌ای خاص بیان شود.»

آخرین آوانگارد در قرن بیستم، اگر آن را چنین بنامند، هنری است که پایدارترین انقلاب را در قرن انقلاب‌ها به خدمت می‌گیرد: انقلاب فناوری. هنر مبتنی بر فناوری که حاصل اختراعات خارج از دنیای هنر بود (شامل یک رشته از کارهای هنری از عکاسی گرفته تا فیلم و ویدئو، واقعیت‌های مجازی و بسیاری دیگر)، هنر را به عرصه‌ای هدایت کرده است که زمانی تحت تسلط مهندسان

8. Marcel Duchamp  
9. Arthur Danto